

بسم الله الرحمن الرحيم

واقعت جنبش جنوب یمن و وابسته گی آن



(ترجمه)

پرسش:

آیا جنبش جنوب یمن هنوز وابسته به امریکاست؟ یا این که مجلس به دلیل تسلط امارات بالای آن، پس از این مزدوری انگلیس را می کند؟ زیرا امارات نماینده انگلیس در یمن می باشد. به عبارت دیگر، آیا امریکا در تلاش هایش برای حفاظت از جنبش جنوب به نفع خود، ناکام شده و انگلیس توانسته با استفاده از امارات آن را به جانب خود بکشاند؟ یا این که هنوز به نفع امریکا عمل می کند و تمام آنچه اتفاق افتاده، این است که امارات به دلیل اردوی قدرت مندی که در عدن دارد، توانسته بالای آن تأثیر بگذارد، بدون این که جنبش جنوب تغییر جهت داده و وابسته به انگلیس شود؟

پاسخ:

1- امریکا در اوائل دهه نود با استفاده از مصر و عربستان سعودی در زمان ملک فهد توانست، علی سالم بیض و علی ناصر محمد را با به کارگیری اسالیب مستقیم و غیرمستقیم به جانب خود جلب و متمایل نماید، که این کار انگلیس را سخت آزرده؛ زیرا این انگلیس

بود که از طریق مزدوران اش در منطقه "جبهه تحریر قومی در جنوب یمن" را تشکیل داده و آن را به مذاکرات ژینو به تاریخ 20 نومبر 1967م فرا خوانده و سپس به تاریخ 30 نومبر 1967م و پس از بیرون نمودن نیروهایش از جنوب یمن، به این منطقه استقلال داد و علی بیض به کمک انگلیس حاکم این منطقه شد. بناءً همراهی علی بیض با امریکا از نظر انگلیس نمک حرامی و قدرشناسی به شمار می‌رفت. این‌جا بود که انگلیس تصمیم گرفت هر دو تن را از قدرت برکنار نماید؛ به ویژه با توجه به این‌که توان این‌کار را به خوبی داشت؛ زیرا مزدورش علی صالح در شمال از قدرت و امکانات کافی بر خوردار بود. به این ترتیب، در سال 1994م و پس از گذشت تنها چهار سال از آغاز وحدت میان شمال و جنوب یمن، مجدداً جنگ و نزاع‌های دو طرف بالا گرفت. پس از آن‌که جنگ با شکست نیروهای نظامی، به اصطلاح جنوبی به پایان رسید، علی سالم بیض و هم‌چنین علی ناصر محمد از صحنه فرار نموده و تا حدودی به انزوا رفتند.

پس از اتمام جنگ به نفع شمال، حکومت علی صالح نظامیان جنوب را سخت زیر فشار قرار داده و آنان را پیوسته تعقیب می‌نمود. این روند سال‌ها ادامه داشت تا آن‌که نظامیان بازنشسته در جنوب، انجمنی را تشکیل دادند، که شعار و خواست این انجمن، توقف اعمال فشار، پیگرد و پایان دادن به محرومیت از حقوق‌شان بود. تداوم اعمال فشار و ظلم و بیداد، نظامیان پیشین و اعضای انجمن مذکور تمایل به جدائی طلبی پیدا نمودند و به این ترتیب، هسته و زیربنای جدائی‌طلبان شکل گرفت و فعالیت‌های‌شان سر انجام تبدیل به چیزی شد که امروزه از آن به نام جنبش جنوب یاد می‌شود؛ جریانی که در سال 2007م رسماً اعلان وجود نمود. به علاوه این جریان، جریان‌های خورد و کوچک و کم اهمیت دیگری نیز تشکیل گردید که ما در این بحث به آن‌ها نخواهیم پرداخت.

2- امریکا از این فرصت استفاده نموده و تلاش کرد تا در جنوب یمن برای خود جای پای ایجاد نماید؛ چنان‌چه در شمال یمن نیز با استفاده از تحرکات حوثی‌ها و حمایت آنان توسط ایران، جای پای ایجاد نموده بود. به این ترتیب، جنبش جنوب در دام نزاع‌های بین‌المللی افتاد و از جریانی عدالت‌خواه، به ابزاری جدید برای امریکا به منظور مداخله در یمن تبدیل شد؛ یمنی که حکومت‌اش وابسته به انگلیس است.

دولت‌های بزرگ با استفاده از اوضاع داخلی و تنش‌های موجود میان دولت‌های کوچک، تلاش می‌کنند نفوذ خویش را به تدریج در این کشورها گسترش دهند؛ چنان‌چه امریکا بر اساس همین پالیسی و با استفاده از استخبارات ملک فهد در عربستان سعودی سعی نمود، در جریان دهه نود یعنی پس از جنگ داخلی سال 1994م، با نظامیان جنوب یمن ارتباط برقرار نماید. اگرچه در آن زمان سالم بیض یکی از وابسته‌گان و ابزار امریکا به شمار می‌رفت، اما انزوا و سروصداهایش از تبعیدگاه برای اعمال مادی علیه حکومت صالح، هرگز برای امریکا کافی نبود و می‌دانست که او نمی‌تواند برای پیشبرد اهداف امریکا موفق باشد. بنابر این، امریکا در جستجوی کسی بود که بتواند فعالیت‌های سیاسی قوی را پیش برده و مردم جنوب یمن را متحد سازد تا از آنان برای اعمال فشار مؤثر علیه حکومت صالح استفاده نماید. در نتیجه، امریکا گمشده‌اش را پیدا نمود و او حسن باعوم، فعال منتقد سیاسی بود، چنان‌چه با قوت تمام و به پیمانه فراخی خواستار جدائی جنوب یمن بود. حسن باعوم در همان آغاز، از یک شهر به شهر دیگر رفت

و آمد نموده و پیوسته با سران قبایل دید و باز دید داشت و از آنان می‌خواست تا وی را حمایت نموده و خواسته‌های جدائی‌طلبانه وی را تأیید کنند. باعوم درست در زمانی این مسائل را مطرح می‌نمود که مردم جنوب یمن در اوج فشار و ظلم اعمال شده توسط حکومت به سر می‌بردند.

باعوم فعالیت‌هایش را یکی پس از دیگری ادامه می‌داد تا با استفاده از این فرصت، مسئله جدائی‌طلبی جنوب یمن را بر سر زبان‌ها انداخته و طرفداران آن را افزایش دهد. اسلوب وی کاملاً مسالمت‌آمیز بوده و با فعالیت‌های خشونت‌آمیز مخالفت نشان می‌داد. تحركات جدائی‌طلبانه حسن باعوم رفته‌رفته طرف‌دارانی پیدا نمود و در برخی موارد حجم بزرگی از اهالی جنوب را به خود کشانید و این مفکوره را در میان آنان عمیق نمود که حکومت یمن به گونه‌ی منسجم و برنامه‌ریزی شده آنان را به حاشیه رانده و علیه‌شان ظلم روا می‌دارد. این‌جا بود که باعوم مورد تعقیب و پیگرد حکومت صنعاء قرار گرفت و بارها بازداشت شد. باعوم در میان سال‌های 2007 تا 2008م برای مدتی بیشتر از یک‌سال در بازداشت به سر می‌برد؛ سپس در سال 2010م مجدداً بازداشت شده و پس از دو ماه بازداشت در سال 2011م رها گردید و دیری نگذشت که در همین سال یک‌بار دیگر بازداشت شد. به این ترتیب، حسن باعوم جدائی‌طلب، به دلیل تلاش‌های خسته‌گی ناپذیر و نزدیک نمودن نظامیان پیشین و قبایل و فعالان علیه حکومت مرکزی صنعاء، تبدیل به رمز بزرگی برای وحدت و انسجام جنبش جنوب گردید. باعوم موفق شد، خواسته‌های جدائی‌طلبانه را استحکام بخشیده و آن را در میان مردم عمیق نماید.

باعوم با امریکا ارتباط داشت و از طرف ایران نیز حمایت می‌شد و به این ترتیب، فعالیت‌هایش خیلی سریع رشد نمود، در حدی که شورای عالی جنبش جنوب را تشکیل داده و خود به صفت رئیس آن شروع به فعالیت نمود. چنان‌چه صفحه خبری الجزیره نت به تاریخ 3 مارچ 2011م در خبری چنین نگاشت: «شورای عالی حراک مسالمت‌آمیز آزادی جنوب، شاخه اصلی جنبش جنوب به شمار رفته که شاخه‌های دیگری؛ از جمله: هیئت عالی ملی استقلال جنوب، شورای عالی ملی آزادسازی، تشکیل مجدد دولت جنوب، تجمع دموکراتیک جنوب و اتحاد جوانان محصل جنوب. ولایت ضالع یکی از داغ‌ترین و و فعال‌ترین مناطق جنوب نیز به آن وابسته می‌باشند.»

مناطق نیز هست که باعوم را به صراحت مزدور ایران می‌خوانند، چنان‌چه به تاریخ 13 سپتمبر 2016م در صفحه انترتی موسوم به "این‌جا عدن است" چنین گفته شد: «جریان جنبش جنوب به رهبری حسن باعوم، که بر اساس تفرقه‌افگنی تشکیل گردیده، یک حرکت سیاسی بوده و از همان ابتدای تشکیل‌اش توسط امریکا پشتیبانی می‌شود. این حرکت ابزاری است که امریکا می‌تواند نفوذاش را با استفاده از آن در یمن و از طرف جنوب استحکام بخشد. مرکز فعالیت‌ها و تحركات این جریان در شهر ضالع بوده و این در حالی است که حسن باعوم خود از شهر حضرمی مکلا می‌باشد و نه شهر ضالع. این تحركات در حقیقت به مثابه تمریناتی بود که این گروه جهت تقویت فعالیت‌های سیاسی خویش به کار می‌گرفت، اما حکومت صنعاء در ابتداء این فعالیت‌ها را جدی نمی‌گرفت، زیرا از ناحیه آن احساس خطر نمی‌نمود، به دلیل این‌که فعالیت‌های برجسته آن به برخی تحركات سیاسی خلاصه

می‌شد. به همین دلیل بود که حکومت به بازداشت شماری از سران آن اکتفاء می‌نمود؛ کسانی مانند حسن باعوم، احمد بن فرید، علی غریب، علی مناصر، که برای مدتی بازداشت شده و سپس آزاد می‌شدند.

3- به این ترتیب، مزدوران امریکا در جنبش جنوب، مفکوره جدائی طلبی را به خوبی آموزش دیده و این مفکوره برای آنان تبدیل به یک ایدیولوژی و بخشی از زنده‌گی گردیده؛ اما آنانی که از همراهی با جنبش جنوب دست برداشتند، برخی از آنان از فعالان داخلی بوده و برخی دیگر کسانی استند که تحت تأثیر انگلیس و مزدوران اش در یمن قرار گرفته اند؛ چنین کسانی گاهی اوقات طرفدار وحدت بوده و گاهی خواستار جدائی بودند و جدائی طلبی به هیچ‌وجه نزد آنان تبدیل به ایدیولوژی نگردید. حکومت صنعاء با عادی جلوه دادن مفکوره جدائی طلبی، که توسط مزدوران امریکا دامن زده می‌شد، از آنانی که کاملاً پایبند جدائی طلبی نبودند، استفاده می‌نمود و گاهی اوقات افراد خویش را در میان آنان و به همین هدف جابجا می‌نمود.

چنانچه گفته شد، حکومت صنعاء در ابتداء از ناحیه جدائی طلبان جنوب احساس خطر نمی‌کرد، اما زمانی که برای حکومت صالح و انگلیس روشن شد، که این جریان اندک اندک تبدیل به یک حرکت بزرگ می‌شود و این که خطرهای ناشی از آن به شدت در حال افزایش است، به ویژه با توجه به این که مزدوران امریکا در رأس آن قرار دارند، حکومت صنعاء، انگلیس و سایر وابسته‌گان منطقه‌ای شان به گونه جدی دست به کار شده و در پی مهار این جنبش برآمدند؛ به خصوص پس از آن که معلوم شد، به هیچ‌وجه نمی‌توان این جریان را- که در سایه احساسات به شدت روبه‌رشد جدائی طلبانه در جنوب- به صورت کامل نابود نمود. نقشه مهار جنبش جنوب، که توسط امریکا طراحی گردیده بود، همزمان با گسترش جنبش، گسترش یافته و متنوع می‌شد؛ چنانچه از تلاش‌های جدی برای برهم زدن یک پارچه‌گی آنان شروع تا پیگردهایی که به باز داشت و بعضاً به خشونت می‌انجامید.

این روند هم چنان ادامه داشت تا آن که امارات با استفاده از حضورش در پیمان عربی، نیروهای پیاده‌اش را وارد صحنه نمود. سپس با کشته شدن علی صالح، که نفوذ انگلیس در شمال یمن تضعیف گردید، حضور نظامی امارات به اوج خود رسید، زیرا انگلیس از این بیم داشت که مبادا حوثی‌ها با استفاده از خلای موجود، نفوذ خویش را در شمال گسترش دهند. بناءً با جدیت تمام به ایجاد و استحکام نیرو در جنوب اندیشید تا از آن به عنوان برگ برنده‌ای در حاکمیت بالای یمن استفاده نماید و اگر موفق نشود، اقلاد در جنوب یمن سهمی داشته باشد. به همین دلیل بود که با جدیت کامل در پی استحکام نفوذ در جنوب برآمد، به ویژه با توجه به این که نمی‌توانست کاملاً به هادی منصور اعتماد نماید، زیرا عربستان سعودی بالای وی تسلط داشت. به این ترتیب، انگلیس با استفاده از امارات، به علاوه برگشت دادن نیروهای رئیس جمهور قبلی یمن- علی صالح که در اواخر سال 2017م توسط حوثی‌ها به قتل رسید- به سمت جنوب و قرار دادن آنان در صف نیروهای امارات علیه حوثی‌ها، به این مسئله توجه جدی نمود. صفحه اترنتی یمنی موسوم به ناس تایمز به تاریخ 5 فبروری 2018م با انتشار خبری گفت: «یک مسئول حکومتی یمن ادعاء نموده که طارق صالح، برادرزاده علی صالح در حال حاضر در یمن و زیر حمایت نیروهای امارات به سر می‌برد. برخی از منابع دیپلماتیک نیز گفته‌اند که

امارات سرگرم تلاش‌هایی جدی به منظور برطرف نمودن تحریم‌های اعمال شده علیه احمد فرزند علی صالح می‌باشند تا بتواند در بازی‌های آینده نقش سیاسی فعالی داشته باشد.»

عیدروس زبیدی فرمانده نیروهای شورای انتقالی جنوبی در اظهاراتی گفت: «ما از طارق صالح حمایت نموده و در شمال و سراسر خاک یمن، تا آزادی کامل صنعا، در کنار او خواهیم ایستاد.» (منبع: کانال فرانس 24، 30 جنوری 2018م) این اظهارات بیانگر آن است که انگلیس سرگرم یک بازی جدید در جنوب یمن بوده و تلاش دارد تا نفوذ خویش را با استفاده از مزدوران‌اش و اقارب علی صالح-که در نیروهای گارد ریاست جمهوری نفوذ دارند و هم‌چنین حزب کنگره عمومی- در این منطقه استحکام بخشد. لازم به یادآوری است که نیروهای جدائی طلب توسط امارات حمایت شده و امارات در یمن توسط نیروهای هوایی و زمینی مشارکت دارد، در حالی که عربستان سعودی تنها با نیروهای هوایی اش سهم دارد.

4- به این ترتیب، انگلیس با استفاده از امارات تلاش دارد، صف جنبش جنوب را متفرق نموده و یا آن را به حاشیه براند و به جای آن جنبش جدیدی را ایجاد نماید که اوضاع این منطقه را در دست گیرد. هرچند انگلیس می‌دانست که امریکا به پیمانهای زیادی تلاش دارد، جناح علی سالم بیض و علی ناصر را پشتیبانی نماید- از جمله این تلاش‌های امریکا می‌توان به پیشنهادهای کمک‌های ایران و هم‌چنین تسهیلاتی که مصر فراهم نمود، مانند گردهمایی جنبش جنوب در قاهره به رهبری علی ناصر محمد در سال 2014م؛ هم‌چنین تسهیلاتی که لبنان فراهم نمود، چنان‌چه بیروت از زمان پناهنده‌گی وی به عمان در سال 1994م و محرومیت‌اش از یک منبر رسانه‌ای در آن‌جا، پناهگاه و منبر رسانه‌ای وی به شمار می‌رود و هم‌چنین انتقال وی به ریاض هم‌زمان با آغاز طوفان قاطع سعودی در سال 2014م و دریافت پول‌های بی‌شمار از آن- اما با وجود این‌که انگلیس از تمام این امور با خبر بود، باز هم تلاش نمود از طریق امارات بالای جناح علی بیض و علی ناصر تأثیر گذاشته و آن را به جانب خود بکشاند.

این‌که چرا انگلیس تصمیم گرفت از این جناح آغاز کند، دو دلیل دارد؛ اول: این‌که وی طبیعت خشن و متمایل به جنگ و نزاع‌های مسلحانه دارد. دوم: پیشینه دوستی‌اش با انگلیس، چنان‌چه این انگلیس بود که جبهه قومی وی را تشکیل داده و حکومت جنوب یمن را به وی تسلیم نمود. این بار نیز انگلیس‌ها خواستند، که با زنده نمودن خاطرات آن دوران در ذهن علی بیض، او را به خود نزدیک نمایند. پس از آن‌که عملیات پیمان عربی در یمن در سال 2015م آغاز گردید، انگلیس‌ها علی بیض را از عربستان سعودی به امارات انتقال دادند و تا کنون در "ابوظبی" به سر می‌برد، زیرا وی قبلاً در کشورهایی به سر می‌برد که وابسته به امریکا بود؛ چنان‌چه در حدود دو سال (2012 و 2013م) در لبنان به سر می‌برد و توسط ایران و حزب آن حمایت می‌شد؛ سپس به سعودی نقل مکان نمود که از آن‌جا به عنوان یکی از اعضای پیمان عرب وی را به جانب خود کشانید.

چنان‌که گفته شد، علی بیض در حال حاضر در ابوظبی به سر می‌برد و به شدت مورد احترام و تقدیر قرار می‌گیرد. همه می‌دانند که سالم بیض شخصیت متقلبی دارد، چنان‌چه زمانی که ریاست یمن جنوبی را در دست داشت، سروکارش با انگلیس بود؛ سپس در اوایل دهه نهم امریکا او را به جانب خود کشانید و وابسته‌گی‌اش به امریکا هم‌چنان ادامه داشت. علی بیض در میان کشورهای

وابسته به امریکا رفت و آمد می نمود و اینک در امارات به سر می برد؛ تلاش ها جریان دارد که امریکا وی را به جانب خود بکشاند و بعید نیست که یک بار دیگر تغییر جهت دهد؛ اگر چنین شود، روابط وی با امارات متشنج خواهد شد. در هر صورت، در حال حاضر موقف وی به شورای انتقالی نزدیک تر است، چنانچه وی این شورا را در اظهاراتی توصیف نمود: «علی سالم بیض، معاون اسبق رئیس جمهور یمن اعلام می نماید که با فراخوان تشکیل "ساختار سیاسی جنوب یمن" موافقت داشته و آن را به فال نیک می گیرد.» وی یک روز پس آن با تشکیل این ساختار موافقت نمود که سه تن از والیان سه ولایت جنوبی با فراخوان صادره توسط والی عدن موافقت نمودند. بیض در اظهاراتی که توسط چینل "العربی الجدید" منتشر گردید، تأکید نمود که از این فراخوان با تمام توان پشتیبانی خواهد نمود و حرکت های مختلف سیاسی جنوب و شخصیت های مستقل را تشویق نموده تا با این فراخوان تعامل مثبت نموده و از حالت انتظار و بی اعتنائی بیرون آمده و وارد مرحله جدید شوند. (منبع: تلویزیون العربی جدید 16 سپتمبر 2016م)

علی ناصر محمد نیز در این زمینه ها به علی بیض شباهت دارد، چنانچه او نیز گاهی طرفدار جدائی است و گاهی خواستار حکومت واحد در یمن، اما با شرایطی که خودش وضع می کند. علی ناصر در پاسخ به پرسشی که قبل از تهاجم علی صالح علیه حوثی ها در اواخر سال 2017م در مورد حل بحران یمن از وی صورت گرفت، گفت: «راه حل این است که حکومت وحدت ملی و توافقی تشکیل شود. عناصر اصلی دخیل در جنگ، اعم از حوثی ها و حکومت هادی، باید در جریان مرحله انتقالی از مناصب رسمی شان برکنار شوند. سلاح های تمام طرف ها و احزاب باید جمع آوری شده و تسلیم وزارت دفاع شود، زیرا یمن نیاز به یک رئیس جمهور و یک حکومت و یک وزیر دفاع و روی آوردن به صندوق انتخابات دارد.» (منبع: اهرام عربی 4 اکتوبر 2017م)

از تمام امور فوق چنین بر می آید که انگلیس ها توانسته اند با استفاده از امارات تا حدود زیادی روی این دو تن (علی بیض و علی ناصر) و جناح های مربوط به آنان تأثیر بگذارند، زیرا این دو تن مسئله جدائی طلبی را به عنوان یک اساس ثابت و غیرقابل تغییر، آنچه که جنبش جنوب بر اساس آن تشکیل گردید، اتخاذ نکرده اند؛ بلکه این مسئله را در شرایط و اوضاعی که آنان را احاطه نموده بود، اتخاذ کرده اند.

5- اما جناح حسن باعوم یک جناح سیاسی، ایدیولوژیک و جدائی طلب بود. انگلیس ها متوجه شدند که هیچ یک از راه حل های فریبنده و اعمال زور، کارا نیست؛ بناءً تلاش نمودند به گونه مرموز یعنی بدون کدام فیصله رسمی، وی را وادار کنند تا در عمان اقامت کند. دلیل این که باعوم به عمان رفت، این بود که عمان طوری تظاهر می نمود که انگار هیچ رابطه ای با انگلیس نداشته و فعالیت هایش از قبل طراحی شده نیست. انگلیس با استفاده از مزدوران عمانی اش بالای حسن باعوم فشار آورد و وی را وادار نمود تا در شهر صلاله مان برای مدت طولانی سکونت کند. با دور نگهداشتن مرد درجه اول امریکا در جنبش جنوب، جریان های وابسته به امریکا در جنوب تا حد زیادی تضعیف شدند و انگلیس این فرصت را غنیمت شمرده و با استفاده از امارات به شدت تلاش نمود تا جنبش موازی با جناح باعوم در جنوب ایجاد نماید تا در قضیه جنوب یمن دست بالاتری داشته باشد.

انگلیس‌ها دنبال فرد مناسبی برای رهبری این جنبش جدید و وابسته به خود بودند تا این‌که گمشده‌شان را در شخصی به نام عیدروس زبیدی یافتند. عیدروس زبیدی یکی از رهبران سرشناس جنبش جنوبی و بنیان‌گذار حرکت جدائی طلب تعیین سرنوشت در سال 1996م می‌باشد. هادی رئیس جمهور یمن به دلیل نزدیکی زبیدی با انگلیس، وی را به تاریخ 7 دسامبر 2015م به صفت والی ولایت عدن مقرر نمود و این کار درست چند ماه پس از راه‌اندازی عملیات طوفان قاطع توسط سعودی در ماه مارچ 2015م صورت گرفت که خود بیانگر اعتماد مزدوران انگلیس به وی می‌باشد. عیدروس زبیدی در عدن موفقیت‌های زیادی را به دست آورد، چنان‌چه وی توانست جریان برق این ولایت را مجدداً فعال نماید، ملیشه‌های مسلح را از ولایت بیرون راند، با حوثی‌ها جنگید و با پیش نهادهای ولد شیخ نماینده سازمان ملل، که وابسته به امریکا بود، به شدت مخالفت نمود و به همین دلایل بود که به صفت یکی از والی‌های موفق شهرت پیدا نمود.

زبیدی به دلیل پشتیبانی مالی و نظامی علنی و مستقیم امارات، به این موفقیت‌ها دست یافت؛ وی به عنوان شخصیت سیاسی برجسته و رقیب سرسخت و تاریخی حسن باعوم در جنبش جنوب عرض اندام نمود و دلیل این برجسته‌گی و شهرت وی به چند مسئله بر می‌گردد؛ نخست: این‌که وی در جنگ داخلی سال 1994م به صفت مبارز شرکت داشته و در حرکت‌های جدائی طلبانه از همان بدو شروع این حرکت‌ها، به صفت رهبر پرتلاش نقش داشته. دیگر این‌که از زمان تبعیداش به جیبوتی در سال 1994م با حکومت علی صالح درگیر بود. به علاوه موفقیت‌هایی که زبیدی به عنوان والی عدن و جنگ علیه حوثی‌ها به دست آورد، نکته دیگر این‌که زادگاه وی منطقه ضالع می‌باشد و این منطقه مرکز ثقل جنبش جنوب به شمار می‌رود.

عیدروس زبیدی از نظر نظامی به علی هانی بن بریک، مؤسس نیروهای کمر بند جنوبی وابسته می‌باشد، کسی‌که خود در جنوب به وابسته‌گی‌اش به امارات مشهور می‌باشد. ساسه پوست به تاریخ 2 نوامبر 2017م در بخشی از یک گزارش‌اش در مورد هانی بن بریک چنین می‌نویسد: «هانی بن بریک نخست به صفت یک مبارز علیه حوثی‌ها در یمن عرض اندام نمود؛ سپس امارات با اعمال فشار وی را به عنوان وزیر وارد عرصه سیاست نمود، زیرا امارات به دلیل کمک‌های سخاوتمندانه ابوظبی در یمن نفوذ دارد. بن بریک جریانی را زیر نام نیروهای "کمر بند امنیتی" ایجاد نمود و این جریان ملیشه‌هایی بودند که به گونه علنی توسط دولت امارات در جنوب یمن پشتیبانی می‌شدند.»

دلیل شهرت و موقف زبیدی و بریک در جنوب از این قرار بود. اما از آنجایی که این دو تن در حکومت هادی نیز سهم داشتند و همه می‌دانند که هادی وابسته به انگلیس است و به همین دلیل آنان نمی‌توانند در میان جنبش جنوب از شهرت مردمی برخوردار گردند. بناءً نخستین گام این بود که باید هر دو از حکومت هادی اخراج شده و طوری وانمود شود که انگار با هادی و حکومت‌اش اختلاف دارند، تا این باعث شود مردم جنوب، دور آنان، به ویژه دور زبیدی جمع شده و جنبش جدید جنوب را تشکیل دهند که دقیقاً چنین هم شد.

6- رئیس جمهوری یمن به تاریخ 27 اپریل 2017م با صدور فرمانی عیدروس زبیدی والی عدن و هم‌چنین هانی بن بریک وزیر دولت را از مناصب‌شان برکنار نموده و دستور داد تا هانی بن بریک تحت بازجویی قرار گیرد. هزاران تن از ساکنان شهر جنوبی عدن برای تقبیح و اظهار مخالفت با این تصمیم رئیس جمهور دست به تظاهرات گسترده زدند. شماری از جناح‌های وابسته به جنبش جنوب به تاریخ 4 می 2017م با صدور اعلامیه‌ای اعلام نمودند که آنان به عیدروس زبیدی صلاحیت می‌دهند تا کتله‌ای را جهت اداره و نمایندگی از جنوب تشکیل داده و در راستای تحقق اهداف و خواست‌های آنان فعالیت نماید؛ به علاوه این‌که به وی صلاحیت عام و تام داده می‌شود تا به منظور عملی شدن بندهای این اعلامیه، هر آن‌چه را لازم می‌بیند اتخاذ نماید.

درست یک هفته پس از آن‌که جنبش جنوب، زبیدی را مؤظف نمود تا رهبری سیاسی جدیدی را به منظور اداره و نمایندگی از جنوب تشکیل دهد، زبیدی به تاریخ 11 می 2017م از شهر عدن اعلان نمود که به علاوه عضویت 26 تن دیگر در این هیأت خودش رئیس هیئت شورای انتقالی جنوب بوده و بن بریک را به صفت معاون خویش برگزیده است. زبیدی برای ابراز حضور و رقابت با علی باعوم، بیرق سابق یمن جنوبی را در کنار خود گذاشته و صحبت می‌نمود. زبیدی در سخنان تلویزیونی‌اش، در حالی‌که بیرق دولت سابق یمن جنوبی را در کنارش گذاشته بود، گفت: «به دلیل اعلامیه تاریخی عدن، رهبری سیاسی جنوب زیر نام هیئت ریاست شورای انتقالی جنوب، با افتخار تشکیل گردید.» وی افزود که هانی بن بریک به عنوان معاون رئیس این شوری و 26 تن دیگر به عنوان اعضاء شروع به فعالیت خواهند نمود. او ابراز داشت که: «هیئت ریاست شورای انتقالی جنوب مسئولیت دارد، اقدامات لازم برای تأسیس هیئت شورای انتقالی جنوب را روی دست گرفته و به نمایندگی از جنوب یمن در داخل و خارج شروع به فعالیت نماید.» (منبع: شبکه CNN عربی 11 می 2017م)

به این ترتیب بود که زبیدی و بن بریک، در حقیقت امارات و انگلیس، صلاحیت تشکیل رهبری جنوب را به صورت کامل در اختیار گرفتند. والیان را رئیس جمهور یمن تعیین می‌کند، که خود نیز از افراد حلقه وابسته به انگلیس می‌باشد و هم‌چنین سایر رهبران اعضای شورای انتقالی همه از طرفداران آن می‌باشند، بلکه حتی توانستند شماری از افراد جناح باعوم را مانند علی سعدی و ناصر خبجی نیز با خود یک‌جا کنند؛ هرچند برای مدت کوتاهی اند و اگر چهره‌شان افشاء شود، از این جمع بیرون روند و یا بیرون کرده شوند و یا شاید هم این راهی به سوی جلب و جذب آنان باشد.

بنابر این، می‌توان گفت که انگلیس به دلایل زیر مسئله جنبش جنوب را تا اندازه‌ای زیادی بر محور مزدوراش عیدروس زبیدی یک طرفه نموده است: تسلط تقریباً همه‌جانبه بالای شورای انتقالی به ریاست عیدروس زبیدی در عدن، برخورداری از نیروهای نظامی نسبتاً بزرگ به رهبری بن بریک در سایر ولایات جنوب، حتی در ولایت مأرب، جمع شدن والیان ولایات جنوب در اطراف رهبری عیدروس زبیدی، طرفداری مسئولین سابق دولت جنوب از اشتراکی‌ها-مانند علی سالم بیض که بسیار زود از زبیدی اعلان طرفداری نمود- تأیید طارق فضلی و جریان وابسته به وی-که به علاوه نفوذ قبیلوی که در این دارد- چهره اسلامی نیز به شمار



می‌رود و سرانجام حمایت مالی، سیاسی و نظامی دولت امارات از زبیدی. در صورتی که اوضاع سیاسی به همین منوال ادامه پیدا کند، به ویژه حضور سنگین امارات در جنوب، در این صورت تسلط انگلیس به همین شکل ادامه خواهد یافت.

7- اما آمریکا به تأخیراش پی برده و اظهار ناراحتی نمود. آنچه بیانگر ناراحتی آمریکا از تشکیل شورای انتقالی است، این است که ولد شیخ نماینده جهانی‌اش با تشکیل این شورا مخالفت نمود. یک منبع آگاه خبر داده که اسماعیل ولد شیخ نماینده سازمان ملل به یمن با ارسال نامه‌ای به عیدروس زبیدی والی برکنار شده عدن، وی را به دلیل اعلان تشکیل شورای انتقالی به منظور جدائی جنوب، مستقیماً تهدید نموده است. منبع یادشده افزوده که ولد شیخ با زبیدی دیدار نموده و وی را مستقیماً تهدید نموده که در صورت اصرار بر تداوم شورای اعلان شده با خطر مواجه خواهد شد. ریاست جمهوری یمن، شورای همکاری خلیج، گروه حوثی‌ها و بسیاری دیگر از داخل جنبش جنوب با این شورا مخالفت نموده اند. ولد شیخ خطاب به زبیدی گفته که در صورت تداوم این شورا، سازمان ملل متحد و شورای امنیت جهانی وی را در لیست کسانی قرار خواهد داد که در پی برهم زدن روند صلح و عملی شدن فیصله شماره 2216 منتشر شده در فصل هفتم می‌باشد و در این صورت با وی مانند حوثی‌ها و صالح، یعنی به صفت متمرّد برخورد خواهد شد. (منبع: خبرگزاری روسیه امروز 14 می 2017م)

به نظر می‌رسد آمریکا به وخامت اوضاع پی برده و بالای عمان فشار آورده که باعوم را آزاد نماید. پس از آن که عمان باعوم را آزاد نمود، وی فعالیت‌های قوی را علیه شورای انتقالی، که توسط حمایت دولت امارات تشکیل گردیده آغاز نمود، که بیانگر مظهر بزرگی از کشمکش آمریکا و انگلیس در یمن می‌باشد. روشن است که اقدامات باعوم علیه شورای انتقالی توسط عربستان سعودی حمایت می‌شود، زیرا نخستین کنفرانس شورای جنبش انقلابی به رهبری وی به تاریخ 17 اگست 2017م در شهر عدن و زیر نظر سعودی‌ها برگزار گردید. در این کنفرانس شش صدتن از وابسته‌گان به سعودی حضور داشته و دولت امارات را متهم نمودند که جنوب یمن را اشغال کرده است. در بیانیه منتشر شده از این کنفرانس، چنین گفته شده: «ما با قاطعیت تمام سوء استفاده از احساسات مردم خویش در جنوب و پخش و نشر دروغ و سوء استفاده از احساسات آنان را به هدف کسب تأیید مردمی و تحرک بر خلاف اراده مردم در جنوب رد نموده و آن را تقبیح می‌کنیم. تأکید می‌کنیم که حسن باعوم رهبر و رئیس شورای عالی جنبش انقلابی و رهبر و رمز وحدت جنوب بوده و ما به وی افتخار می‌کنیم. آنچه امروزه در جنوب یمن جریان دارد، در حقیقت کشمکش داغی است که نیروهای خارجی در آن دخیل می‌باشند. نیروهایی مانند دولت امارات عربی، که به منابع اقتصادی جنوب چشم دوخته و تلاش دارد، سرنوشت و رویکردهای مردم ما را در اختیار گرفته و سپس مبالغه‌ناچیزی را به یک مشت افرادی بدهد که آنان را وابسته به خود نموده است.» (منبع: تلویزیون عدن فردا 17 اگست 2017م) این بدان معنی است که گروه باعوم علناً با امارات سر دشمنی گرفته و از آن می‌خواهد پایش را از یمن بیرون کند. چنانچه کنفرانس باعوم، طرفداران زبیدی را متهم به وابسته‌گان امارات نمود که مقدار ناچیزی از منافع امارات به دست می‌آورد، نصیب آنان می‌شود.

دومین کنفرانس گروه مربوط به باعوم به تاریخ 11 نوامبر 2017م در عدن برگزار گردید. در بیانیه پایانی دومین کنفرانس شورای جنبش انقلابی باعوم، که تلویزیون عربی جدید به نسخه‌ای از آن دست پیدا نموده بود، چنین گفته شد: «ما از تمام دولت‌هایی سهیم در آنچه که پیمان مشترک عربی نامیده می‌شود، می‌خواهیم تا در خصوص دشمنی شان با شورای عالی جنبش جنوب با ما مستقیماً وارد گفتگو شوند؛ البته بعد از آن‌که تمام نیروهای شان را از سرزمین ما بیرون کنند. لازم به یاد آوری است که ما به شدت علاقه‌مند حفظ روابط اجتماعی و دینی خویش با این دولت‌ها بوده و حریص استیم تا این روابط هم‌چنان حفظ گردد.» این شورا که توسط باعوم ریاست می‌شود، پیمان مذکور را "پیمان دولت‌های اشغالگر" نامیده و می‌افزاید: «تأکید می‌کنیم، ما حق کامل داریم که در تعامل خویش با اشغالگران از هر راه و امکانات مشروع در زمان و مکان مناسب و بر اساس منافع ملی خویش استفاده نمائیم.» در بیانیه مذکور تأکید شده است که: «هرگونه مذاکرات و راه‌حلی که قضیه جنوب و نماینده قانونی آن را استثناء قرار دهد، هرگز موفق نخواهد شد؛ زیرا نماینده گان قانونی جنوب کسانی هستند که جنبش را از همان روز نخست تشکیل آن رهبری نموده اند و نه کسانی که بر اساس تصادف وارد میدان شده و یا توسط پول و یا هم بیگانه گان اشغالگر به صحنه آورده شده اند.» (منبع: تلویزیون عربی جدید 11 نوامبر 2017م) اگرچه در این بیانیه از پیمان عربی نام برده شده، اما هدف اصلی آن دولت امارات است؛ زیرا این کنفرانس به حمایت عربستان سعودی راه اندازی گردیده بود.

8- خلاصه این که: پس از آن‌که علی سالم بیض و علی ناصر محمد در سال 1994م شکست خوردند و علی صالح بالای جنوب یمن تسلط پیدا نموده، مردم جنوب را به حاشیه راند و بسیاری از نظامیان آن را زیر فشار قرار داد، از آن روز به بعد حرکت‌های مخالف گوناگونی قد علم نموده و این روند تا امروز ادامه دارد که برجسته‌ترین آن سه حرکت زیر است:

1- جنبش جنوب جناح علی سالم بیض، که پیوسته در حال تغییر رویکرد می‌باشد، گاهی با امریکا و مزدوران اش همکاری می‌کند و گاهی طرف دار انگلیس و مزدوران آن می‌باشد.

2- جنبش جنوب جناح حسن باعوم، که توسط امریکا و مزدوران آن، به ویژه ایران حمایت می‌شود.

3- جنبش جنوب جناح زبیدی، که توسط انگلیس و مزدوران آن، به ویژه امارات حمایت می‌گردد.

مهم‌ترین تحولات و واقعیت‌های جاری در یمن را به گونه فوق بررسی و بیان نمودیم؛ اما آنچه که در اخیر باید تذکر داد، این است که آنچه دردآور و سخت‌آزاردهنده است، این است که کفار استعمارگر ابزار فرسوده خویش را-که متأسفانه از فرزندان خودمان استند- تربیت نموده و می‌فرستند تا باعث خون‌ریزی در یمن و غیر یمن شده و منافع کفار را تأمین نمایند. آنان برخی امور و مسائل را فراموش کرده‌اند و یا خود را در مورد آن به فراموشی زده‌اند-اگر لحظه‌ای سر به گریبان فرورده و ببیندیشند- قطعاً به خاطر رفتار زشت و غلط خویش خون از دیده‌گان فروخواهند ریخت؛ زیرا الله توانا و مقتدر به شدت از قرار گرفتن مسلمان در کنار کفار ظالم منع نموده و هشدار داده که چنین کاری فرجام‌اش آتش جهنم خواهد بود:

﴿وَلَا تَرْكَنُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا فَتَمَسَّكُمُ النَّارُ وَمَا لَكُم مِّنْ دُونِ اللَّهِ مِن أَوْلِيَاءَ ثُمَّ لَا تُنصَرُونَ﴾

[هود: 113]

ترجمه: و به کسانی که ستم کرده‌اند، متمایل مشوید که آتش (دوزخ) به شما می‌رسد و در برابر الله (سبحانه و تعالی) برای شما دوستانی نخواهد بود و سرانجام یاری نخواهید شد!

هم‌چنین رسول الله صلی الله علیه وسلم خون‌ریزی ناحق را سخت‌تر از نابودی تمام جهان در نزد الله سبحانه و تعالی خوانده است ترمذی از حضرت عبدالله بن عمرو روایت نموده که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود:

«لَزَوَالِ الدُّنْيَا أَهْوَنُ عَلَيَّ اللَّهُ مِنْ قَتْلِ رَجُلٍ مُّسْلِمٍ»

ترجمه: نابود شدن دنیا آسان‌تر است در نزد الله (سبحانه و تعالی) از کشتن یک مردم مسلمان.

چه رسد به این‌که این قتل‌ها به خاطر تأمین منافع کفار استعمارگر باشد. بدون شک چنین کاری جنایتی بس بزرگ است که هیچ جنایت دیگری به قباح آن نمی‌رسد.

﴿سَيُصِيبُ الَّذِينَ أَجْرَمُوا صَغَارٌ عِنْدَ اللَّهِ وَعَذَابٌ شَدِيدٌ بِمَا كَانُوا يَمْكُرُونَ﴾

[انعام: 124]

ترجمه: از سوی الله (سبحانه و تعالی) هرچه زودتر خواری و رسوائی (در دنیا) نصیب کسانی می‌گردد که بزهکاری پیش می‌گیرند، و عذاب سختی (در آخرت) به سبب نیرنگی که می‌ورزند، بهره‌ا ایشان می‌شود!

اما با وجود این همه، باز هم فراموش نمی‌کنیم؛ یمنی که رسول الله صلی الله علیه وسلم آن را سرزمین ایمان و حکمت خوانده، هرگز عاری از مردان مؤمن، صادق و مخلصی نخواهد شد که در کمین مزدوران و وابسته‌گان کفار استعمارگر نشسته و پرده از نفاق و غلامی آنان بر می‌دارند و سرانجام یمن را به خواست الله سبحانه و تعالی تبدیل به دارالاسلام خواهند نمود که رایه و لوای اسلام در قالب دولت خلافت راشده بر فراز آن به اهتزاز در آمده و عزت و شوکت از دست رفته‌آن را به آن برخواهند گرداند و فرموده رسول الله صلی الله علیه وسلم یک بار دیگر در حق آن مصداق پیدا خواهد نمود. آن جا که در حدیثی به روایت امام بخاری رحمه الله از حضرت ابی هریره رضی الله عنه می‌فرماید:

«أَتَاكُمْ أَهْلُ الْيَمَنِ هُمْ أَرْقُ أَفْئِدَةً وَالْيَمَنُ قُلُوبًا الْإِيمَانُ يَمَانٌ وَالْحِكْمَةُ يَمَانِيَّةٌ»

ترجمه: مردم یمن نزد شما خواهند آمد که دل‌های نرم دارند. ایمان، ایمان یمنیان است و حکمت، حکمت یمنی.

دوم جمادى الثانى 1439 هـ.ق

24 فبرورى 2018 م